

سناریوهای آینده تعامل دو سویه «بیداری اسلامی» و «گفتمان انقلاب اسلامی ایران»

محمدجواد هراتی*

چکیده

آینده تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر گفتمان بیداری اسلامی و تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر انقلاب اسلامی ایران از مسائلی است که پژوهش درباره آن ضرورت دارد. سؤال از اینکه انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی ایران خواهد داشت و تحولات موسوم به بیداری اسلامی نیز چه تأثیری بر انقلاب اسلامی ایران خواهد گذاشت، از سئوالات مهم در ارتباط با آینده تعامل این دو می‌باشد که نگارنده با استفاده از شیوه سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های «آینده پژوهی» به دنبال پاسخ به این سؤال است. نتیجه این است که هر دو پدیده در آینده تأثیر مثبت به معنای تأثیر تقویتی بر یکدیگر دارند.

واژگان کلیدی

آینده پژوهی، انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی، تأثیر مثبت.

مقدمه

گفتمان بیداری اسلامی در دهه اخیر با قوع انقلاب در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ وضعیت خاصی به خود گرفت و پژوهشگران را بر آن داشت تا ارتباط انقلاب اسلامی ایران را با این تحولات مورد واکاوی قرار دهند. از این روی بسیاری از پژوهش‌ها به این موضوع اختصاص یافت که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر تحولات اخیر داشته است و بسیاری از آنها بر این محور استوار گردید که انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری تحولات اخیر، تأثیر فراوان داشته است. در این میان البته پژوهش‌هایی نیز به چشم می‌آید که در

mjharaty@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۱

*. استادیار دانشگاه بوعلی سینا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱

لابه‌لای آنها سخن از کم ارتباط بودن این تحولات با انقلاب اسلامی ایران داشته و یا اینکه تحولات اخیر را به موضوعی غیر از بیداری اسلامی ارتباط می‌دهند. (حاجی یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۳۸) اما پژوهش‌ها و قرائنی موجود است که این تحولات را بیشتر ناشی از بیداری اسلامی می‌داند تا موضوعی دیگر.

سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آینده تعامل بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران چگونه خواهد بود و به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از حلقه‌های بیداری اسلامی، چه تأثیری بر آینده تحولات موسوم به بیداری اسلامی در جهان خواهد گذاشت و در مقابل، آینده تحولات اخیر نیز چه تأثیری بر آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» خواهد داشت.

نگارنده با استفاده از شیوه سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی در تلاش برای یافتن پاسخی به این سؤال است. در روش «سناریونویسی» سناریوهای محتمل درباره یک موضوع مطرح شده و میزان احتمال وقوع هر یک از آنها ارزیابی می‌گردد. سپس با رد برخی از سناریوها، آینده مطلوب پیشبینی می‌گردد. فرضیه مقاله این است که انقلاب اسلامی ایران و تحولات اخیر موسوم به بیداری اسلامی در آینده تأثیر مثبت و تقویت کننده بر یکدیگر خواهند گذاشت. در این پژوهش چند سناریو برای بحث قابل طرح است که از جمله آنها عبارت است از سناریوی «تأثیر منفی» و تضعیف کننده، دوم سناریوی «خنثی» و کم تأثیر بودن این دو بر یکدیگر و سوم سناریوی «تأثیر مثبت» و تقویت کننده.

سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی

«سناریونویسی» که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است، عبارتست از شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین ممکن است روی دهند. سناریوها شامل تصاویری از آینده‌های محتمل هستند که هدف از به کارگیری آنها مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور، سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرد. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کند، بلکه به ما کمک می‌کند چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و درست به تصمیم‌گیری و مدیریت امور بپردازیم. (Makridakis & Wheelwright, 1989: 215)

سناریوها را تقریباً می‌توان با همه تکنیک‌های آینده‌پژوهی (از کمی‌ترین تا کیفی‌ترین آنها) ترکیب کرد. سناریوها به افراد امکان تجسم و انکشاف آینده‌های ممکن را می‌دهند. در این روش باید دو مسئله را در نظر بگیریم: اینکه در آینده چه احتمالی وجود خواهد داشت؟ و اینکه در بین احتمالات آینده، کدام احتمال برای ما مطلوب‌تر است و چه کار کنیم تا احتمالی که برای ما مطلوب‌تر است اتفاق بیفتد. (اساکول، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

روش‌های سناریونویسی می‌تواند با توجه به نقطه شروع به دو گونه برون‌یابی و یا هنجاری باشد. روش مطالعه هنجاری کار خود را با تعیین کردن اهداف و موضوعات آینده آغاز خواهد کرد و به دنبال آن به این

موضوع می‌نگرد که چگونه این اهداف و موضوعات می‌توانند قابل دستیابی باشند. روش مطالعه برون‌یابی براساس مفروضاتی که روندهای موجود در جریان تغییرات مرتبط ادامه خواهند داد، ایجاد خواهد شد. سناریوها خود می‌بایست از نقطه‌نظر داخلی تصاویری سازگار و استوار از احتمالات آینده باشند و ترکیبی باشند از عناصر قابل سنجش و غیر قابل سنجشی که به عنوان آلترناتیو ریشه‌های منطقی حوادث، سازماندهی می‌شوند. مزیت عمده این روش این است که یک رویه یکسان بین تردیدها و ابهامات موجود در چشم‌اندازها ایجاد کرده و باعث می‌شود که وضوح و شفافیتی که در آینده‌های ممکن وجود دارد، آشکار گردد. محدودیت مهم و کلیدی این روش هم این است که سناریوها عمدتاً به نویسندگان آن وابسته هستند. (گروه آینده‌اندیش، ۱۳۸۴: ۲۸ - ۲۵)

اهداف برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها

یک دسته از سناریوها می‌تواند ابزار مؤثری برای مفهوم‌سازی آینده، غوطه‌ور در مقدار عظیمی از داده‌ها و اطلاعات باشد. بر این اساس مورد توجه قراردادن مضامین مرتبط با آینده، هر آنچه مشاهده می‌کنیم و سناریوها چارچوب ساختاری که در آن تجارب را می‌توان سازمان‌دهی کرد، مهیا می‌کنند. ابزاری که برای این کار استفاده می‌شود، داستان‌هایی با سازگاری درونی است که در آن حوادث در بستر زمان و در مسیر پیشرفت منطقی و علت و معلولی آینده به جلو می‌روند.

در نقطه مقابل تفکر سناریویی، پیش‌بینی قرار دارد. در پیش‌بینی، همواره یک آینده محتمل مدنظر قرار گرفته و اساس قضاوت‌های افراد برای برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد. فرض اساسی در این دیدگاه این است که بعضی افراد می‌توانند بسیاری از وضعیت‌های آینده را پیشگویی کرده و زودتر از بقیه افراد هر آنچه را که رخ خواهد داد، بازگو کنند. اما چنین دیدگاهی تأثیرات غیر منتظره‌ای را که به سوی سازمان در حرکت است، از کانون توجه افراد دور می‌کند. پیش‌بینی، باعث به وجود آمدن مدل ذهنی‌ای در افراد می‌شود که غیر منتظره‌ها در آن، جایی نداشته و خارج از چارچوب تمرکزی افراد قرار دارند. (منوری، ۱۳۸۳: ۹۸)

این همان جایی است که سناریوها به کمک می‌آیند و گستره وسیعی از آینده را به کانون توجه افراد کشانده و بسیاری از عوامل را که به نظر غیر مرتبط می‌آیند، در داستان‌هایی با سازگاری درونی (فارغ از هرگونه تناقض و براساس منطق علت و معلولی) به طور یکپارچه و واضح تشریح می‌کنند. روش برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها باعث برداشتن گام‌هایی به بیرون از تفکر روزمره شده و گستره وسیع‌تری از حوادث ممکن آینده را در کانون توجه افراد سازمان قرار می‌دهد. این روش، افراد سازمان را وادار به بسط تخیل خود به سمت آینده و خلق تعابیر بدیلی از محیط کسب و کار می‌کند که روش خلق این آینده‌های بدیل از روش سنتی و قدیمی نگرش به موقعیت‌های پیش آمده، متفاوت است. (ناظمی و قدیری، ۱۳۸۴: ۶۹)

سناریوها زمانی که محیط فعالیت بیرونی برای یک سازمان، پیچیده و توأم با عدم قطعیت بوده و

تصمیم‌های کلیدی با پیامدهای بلند مدت در میان باشد، بسیار راهگشا و مفید هستند. به طور معمول، محیط‌های پیچیده شامل عوامل غیر قابل تعیین هستند که تغییرات ساختاری جزو عدم قطعیت‌ها بوده و سیستم، حلقه‌های بازخورد پیچیده و بفرنج دارد. تفکر سیستمی که سعی در شناسایی چگونگی رفتار سیستم‌ها و گرایش آنها به سمت بازخوردهای غیر قابل پیش‌بینی است، قسمت مهم تفکر سناریویی است. اما برای موقعیت‌هایی که متغیرها، قابل شناسایی و تعیین بوده و تصمیم‌ها با پیامدهای کوتاه‌مدت مدنظر است، سناریوها خیلی مفید نیستند. (Makridakis & Wheelwright, 1989: 217)

با توجه به اینکه دلیل سناریوها، پیش‌گویی نیست، تشخیص خوب یا بد بودن آنها به طور عمده ذهنی است، ولی به مشخصه‌ها و اهداف سناریوها بستگی دارد. سناریوهای خوب حاوی مشخصه‌هایی همچون: قابل باور بودن، با حوادث گذشته و حال ارتباط داشتن، چالش برانگیز بودن، به تصمیم‌ها و عدم قطعیت‌های سازمان ارتباط داشتن و فقدان مطالب متضاد در آن و سازگاری درونی است. مهم‌تر از همه اینکه سناریوی خوب، سناریویی است که پس از به چالش کشیدن تفکر نسبت به آینده، مدیران سازمان را به سمت پرسیدن «سؤال درست» رهنمون می‌شود. (Bell, 2003, 245)

حال پس از آشنایی مختصر با روش سناریونویسی در آینده‌پژوهی، تلاش می‌کنیم تا به طرح سناریوهای مطرح درباره انقلاب اسلامی و تحلیل و ارزیابی آنان بپردازیم. در این مقاله با استفاده از روش برون‌یابی تلاش می‌گردد فرضیه‌هایی که در خصوص تأثیر تحولات اخیر در منطقه بر گفتمان انقلاب اسلامی داشته است را بررسی کنیم.

سناریوهای مطرح درباره آینده تعامل «بیداری اسلامی» و «گفتمان انقلاب اسلامی ایران»
با توجه به آنچه گفته شد به طور کلی می‌توان سه سناریوی کلان درباره تعامل آینده گفتمان انقلاب اسلامی و بیداری برشمرد.

اول: سناریوی «تأثیر منفی» و تضعیف‌کننده که براساس آن هر دو موضوع مورد بحث بر یکدیگر تأثیر منفی و تضعیف‌کننده خواهند داشت.

دوم: سناریوی «بی‌تأثیر» که براساس آن هر دو بر یکدیگر اثر چندانی نخواهند داشت و خنثی خواهند بود.
سوم: سناریوی «تأثیر مثبت» و تقویت‌کننده که براساس آن هر دو بر یکدیگر تأثیر مثبت و تقویت‌کننده خواهند داشت و موجب پیشرفت یکدیگر می‌شوند.

۱. سناریوی «تأثیر منفی» یا تضعیف‌کننده دو سویه

یکی از سناریوهای مطرح در زمینه مرتبط با بحث، با تعبیر سناریوی «تأثیر منفی» به کار می‌رود. براساس این سناریو و استدلال‌هایی که مطرح خواهد شد، انقلاب اسلامی ایران بر آینده بیداری اسلامی تأثیر منفی

خواهد داشت و تحولات اخیر نیز بر آینده گفتمان انقلاب اسلامی تأثیر منفی و تضعیف کننده خواهد داشت. در این سناریو مؤلفه‌های اثربخش که عبارت از ایدئولوژی و همچنین نقش بازیگران خارجی است، مورد بحث واقع می‌شود. ایدئولوژی، بیشتر جنبه درون‌گفتمانی در جهان اسلام داشته و بازیگران خارجی به عنوان متغیرهای بیرونی بر این فرآیند تأثیرگذارند.

رقابت گفتمان‌های درون‌دینی به عنوان الگوهای حکومت اسلامی و مطرح شدن اسلام سکولار ترکیه به عنوان یکی از الگوهای رقیب، به عنوان مهم‌ترین عامل درون‌گفتمان در جهان اسلام و تلاش آمریکا و غرب در انزوای ایران به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بیرونی، قابل بحث است. به منظور فهم بهتر این سناریو ابتدا لازم است تا علاوه بر دیدگاه بیداری اسلامی به تحولات منطقه، به دیدگاه دیگری که درباره این تحولات مطرح است نیز اشاره نماییم.

به طور کلی در کنار نظریه بیداری اسلامی در بحث از تحولات منطقه، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که تحولات اخیر را نه «بیداری اسلامی» بلکه «بیداری انسانی» می‌نامد. این برداشت از تحولات منطقه، علت اصلی آن را توطئه آمریکا و اسرائیل و غرب می‌داند و معتقد است این توطئه به قصد تضعیف کشورهای جهان اسلام صورت گرفته است. (حاجی یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۳۸) هرچند پذیرش یا عدم پذیرش این دیدگاه تأثیر بنیادین بر طرح سناریوی «تأثیر منفی» مورد بحث مقاله ندارد، اما تأثیر اندک آن را در طرح دیدگاه سناریوی مورد نظر نباید از نظر دور داشت.

براساس این دیدگاه که در قالب توطئه آمریکا و غرب مطرح می‌شود، غرب به این نتیجه رسیده که امکان تداوم حکومت‌های سکولار دست‌نشانده آمریکا در منطقه در آینده فراهم نیست و می‌باید الگوی جدیدی متناسب با ساختار فرهنگی این کشورها ارائه داد تا از وقوع انقلاب‌های رادیکال در منطقه جلوگیری شود. (نورانی، ۱۳۹۱: ۱۹۲) شاید مهم‌ترین هدف آمریکا تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی ایران در منطقه و جلوگیری از اشاعه آن باشد.

از سوی دیگر رشد اسلام‌گرایی، سران غرب را بر آن داشت تا با ایجاد جبهه اختلاف فرقه‌ای، از رشد اسلام‌گرایی در منطقه جلوگیری کنند. بر این اساس از یک سو منازعات درون‌گفتمانی ایدئولوژیک و از دیگر سو تلاش غرب برای دامن زدن به این وضعیت، زمینه تقابل دو گفتمان انقلاب اسلامی و تحولات موسوم به بیداری اسلامی در جهان اسلام را فراهم کرده و بستر تضعیف دو گفتمان را فراهم خواهد نمود. برای روشن‌تر شدن این موضوع به بحث و بررسی پیرامون آن می‌پردازیم.

الف) عوامل داخلی (درون جامعه اسلامی)

اسلام شیعی در ایران و ادعای تلاش ایران برای تأثیرگذاری بر جهان اسلام را می‌توان به عنوان یکی از موضوعاتی مطرح کرد که برخی نویسندگان بر این باورند واکنش جریان‌های سلفی را به دنبال داشته است.

موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف و به‌ویژه در تقابل با اسرائیل، زمینه را برای شکل‌گیری تقابل این جریان‌های تندرو در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی ایران فراهم کرده است. در حقیقت یکی از موضوعاتی که در قالب مؤلفه‌های اثربخش مورد بحث واقع می‌شود، منازعات ایدئولوژیک یا عقیدتی میان مسلمانان است. منازعات عقیدتی اسلامی در دوران معاصر را می‌توان در قالب ساختارهای حکومتی در کشورهای اسلامی نیز جستجو کرد که حاصل آن، سه گفتمان مهم بوده که البته هر یک دارای وزن متفاوت در دوره‌های مختلف بوده است. اسلام سلفی به رهبری عربستان، اسلام سکولار به رهبری ترکیه و اسلام انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران، سه گفتمانی هستند که در عین اسلام‌گرایی در رقابت با یکدیگر به منظور ارائه الگو برای دیگر کشورهای اسلامی می‌باشد. (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۰) بدون شک، تحولات اخیر در کشورهای اسلامی و وقوع انقلاب در آنان، رقابت این گفتمان‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد. بر اساس این سناریو، منازعه دو گفتمان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در تقابل با یکدیگر قرار خواهد گرفت. در این تقابل نقش عوامل خارجی نیز پررنگ است.

(ب) عوامل خارجی (بیرون جامعه اسلامی)

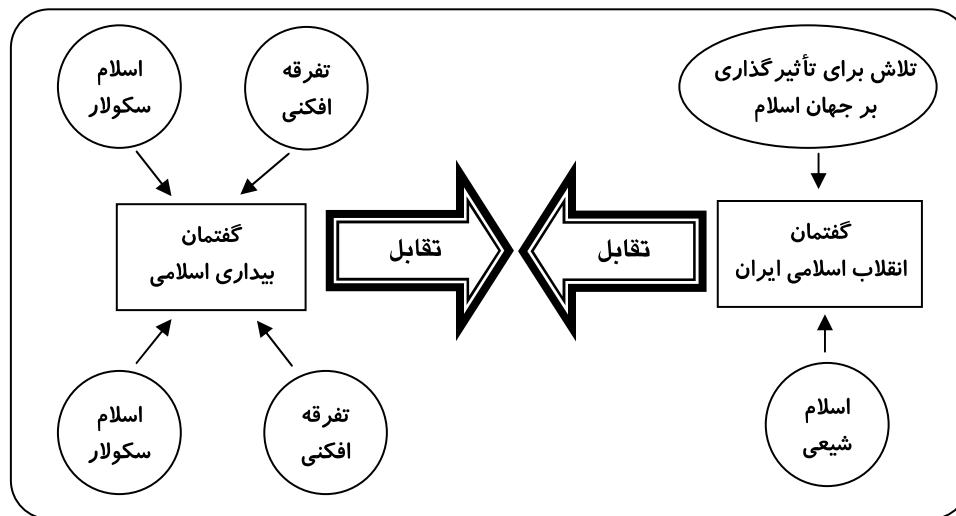
منظور از عوامل خارجی به طور کلی تلاش غرب در مقابل انقلاب اسلامی است که البته از ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا به امروز وجود داشته است، اما در بحث از فضای ایجاد شده ناشی از تحولات بیداری اسلامی از سوی غرب به شیوه‌های مختلفی دنبال می‌شود. از مهم‌ترین این شیوه‌ها فرقه‌گرایی در منطقه و ایران‌هراسی از سوی غرب است. در حقیقت، غرب از شیعه‌هراسی در راستای ایجاد فرقه‌گرایی بهره فراوان می‌گیرد.

با وقوع جنگ آمریکا علیه حکومت عراق در ۱۹ مارس سال ۲۰۰۳ و فرو پاشی رژیم حزب بعث به رهبری صدام حسین، شیعیان عراق توانستند قدرت اصلی را در معادلات امنیتی - سیاسی این کشور به دست گیرند. این رویداد، در کنار جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل (۲۰۰۶ م) که باعث تبدیل حزب‌الله به بازیگری مهم و تأثیرگذار در سطح منطقه شد به گسترش دامنه نفوذ و تأثیرگذاری ایران در تحولات منطقه خاورمیانه منجر گردید. این مسئله باعث شد غرب از یک سو و دولت‌های محافظه کار اهل سنت از سوی دیگر، از پیدایش نوعی «هلال شیعی» مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند.

هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه آکادمیک در ادبیات آلمانی که نخستین بار در حوزه مباحث استراتژیک منطقه، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، در دسامبر سال ۲۰۰۴ در گفتگو با روزنامه واشنگتن پست هنگام دیدارش از آمریکا مطرح کرد. کاربرد این واژه، هم‌زمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل‌کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می‌گرفت. این موضوع مؤید گسترش حوزه نفوذ شیعیان، نه تنها در ایران و لبنان بلکه در کلیه کشورهایی است که در آنها جمعیت شیعه‌مذهب وجود دارد. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱)

این موضوع، بستر لازم به منظور ایران‌هراسی از سوی غرب را فراهم کرد و در واقع هدف از طرح هلال شیعی، تحریک کشورهای عرب علیه ایران است. پادشاه عربستان در مصاحبه با روزنامه کویتی السباسه از شیعه‌سازی اهل سنت توسط ایران ابراز نگرانی کرد. (www.fetrat.com) در حقیقت هدف اصلی از طرح هلال شیعی را می‌توان ایجاد تنش و درگیری و راه انداختن جنگ میان شیعیان و اهل تسنن دانست. ادعای شکل‌گیری هلال شیعی از سوی سران عرب با هدف تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی و گسترش ایران‌هراسی همراه است.

براساس این سناریو، با شکل‌گیری جریان بیداری اسلامی جریان فرقه‌گرایی اسلامی تشدید گردیده و از سوی دیگر، ایران‌هراسی در میان مسلمان افزایش خواهد یافت. بر این اساس در آینده، گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان بیداری اسلامی تأثیر منفی بر یکدیگر خواهند گذاشت که این موضوع را می‌توان به صورت نمودار ذیل به نمایش گذاشت:



۲. امکان‌سنجی سناریوی «تأثیر منفی» یا تأثیر تضعیف‌کننده

اساساً سناریوی «تأثیر منفی» بر دو محور فرقه‌گرایی و تفاوت گفتمان شیعی انقلاب اسلامی و گفتمان سنی بیداری اسلامی از یک سو و گرایش به سوی سکولاریسم اسلامی استوار است که در مجموع دو محور منازعات درون‌گفتمانی و مداخله خارجی را دنبال می‌کند.

باید توجه داشت که مدعای کم‌رنگ شدن دین در عرصه اداره اجتماعی در دنیای جدید و روی آوردن نظام‌ها به سکولاریسم، (ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۴۵ - ۹۸) اساساً بر فضای شکل‌گرفته در غرب در برابر مسیحیت استوار است. به علاوه با توجه به اینکه اکثریت کشورهای جهان، حکومت غیر دینی دارند و اهداف و آرمان‌های حکومت دینی دائماً در تعارض با منافع حکومت‌های غیر دینی است، تضادهای موجود در این نوع

حکومت، بستر مشکلاتی در ساختار حکومت‌ها را فراهم خواهد کرد.

نکته قابل ذکر این است که برخی دولت‌هایی که در جهان اسلام به سوی سکولاریسم رفته‌اند از اصول اندیشه سیاسی غنی اسلامی برخوردار نبوده (ر.ک: عنایت، ۱۳۷۲، ۱۱۰ - ۹۹) و بارها متفکران مسلمان تلاش کرده‌اند که انحطاط و ضعف این دولت‌ها را به دلیل فاصله گرفتن از اسلام اصیل معرفی کنند. به عبارت دیگر، اگر هم برخی دولت‌های اسلامی وجود داشته که به سوی سکولاریسم حرکت کرده‌اند، به این علت بوده که از اسلام اصیل پیروی نکرده‌اند. این در حالی است که بخشی از جنبش‌های شکل گرفته اخیر، اساساً با مبانی اسلامی گره خورده و ملت‌هایی که جنبش در آنها رخ داده، سال‌ها تحت سیطره حاکمیت سکولار بوده‌اند و از آن خسته شده‌اند. این مطلب را می‌توان از شعارها و درخواست‌های مطرح شده در این جنبش‌ها و همچنین نتیجه انتخابات آنان نیز دریافت کرد.

بر اساس دیدگاه بسیاری از تحلیل‌گران، انقلاب اسلامی واکنشی به مدرنیته بود و زمانی اتفاق افتاد که بسیاری از اندیشمندان معتقد بودند که عصر حکومت‌های دینی به پایان خود رسیده و این گفتمان، نقش مؤثری را در معادلات منطقه‌ای ایفا خواهد کرد. به عنوان نمونه، میشل فوکو انقلاب اسلامی ایران را نویدبخش ظهور گفتمان رادیکال سیاسی - عرفانی جدیدی می‌داند که از دل مفاهیم و آموزه‌های مذهبی که در طی قرون متمادی، در پس لایه‌های غبار خرافه، ارتجاع و نسیان مدفون شده بود، سربرآورد است. (رمضان نرگسی، ۱۳۶۵: ۵۹۹)

علاوه بر آن، انقلاب اسلامی حاوی گفتمانی در درون خود بود که هم چالشی برای گفتمان‌های مسلط دوران خود بود و هم توانست تأثیر فراوانی بر دیگر کشورها و گروه‌های سیاسی جهان داشته باشد. از جمله این تأثیرات که موضوع بحث مقاله نیز می‌باشد، تأثیر بر اسلام‌گرایی در ترکیه است. جمهوری ترکیه به واسطه همسایگی خود با جمهوری اسلامی ایران و عوامل مهمی همچون قرابت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی، اشتراکات قوی و مذهبی، به طور طبیعی از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته و شواهد و قرائن همگی دال بر این تأثیرات است. البته، باید این مطلب را نیز مد نظر داشت که این تأثیر موجب شده که روند رشد اسلام‌گرایی در جمهوری ترکیه با وقوع انقلاب اسلامی ایران تشدید شود و جریانات اسلام‌گرا و همچنین توده‌های مردمی، مطالبات جدی‌تری را در این عرصه از حکومت لاییک مطرح کنند؛ به گونه‌ای که ارتش لاییک ترکیه احساس خطر کرده و یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران با کودتا، اداره کشور را به مدت سه سال در دست بگیرد. (درخشه، ۱۳۹۱: ۵۹)

با کودتایی که یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران در ترکیه رخ داد، شاهد شکل‌گیری احزاب اسلامی با پایگاه‌های مردمی گسترده و قوی و همچنین شدت اقبال عمومی به شعائر اسلامی، مناسک اسلامی و احیای امور دینی در جامعه ترکیه هستیم؛ یعنی مواردی همچون نماز جمعه، راهپیمایی روز قدس و حجاب. (همان) با

توجه به مطالب گفته شده، پذیرش اینکه الگوی سکولار در جوامع رخ خواهد داد کمی مشکل است. بر این اساس فرض گسترش سکولاریسم در میان ملت‌های منطقه چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. ایران‌هراسی غرب با هدف تشدید منازعات درون‌گفتمانی نیز موضوع تازه‌ای نیست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با استفاده از همین روش، غرب موفق به فروش تسلیحات گسترده‌ای به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس شد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۴) این موضوع در یکصد سال گذشته از سوی غرب به عنوان سیاستی در جهان اسلام دنبال می‌شود و تاکنون نیز ترفندهای مختلفی برای آن به کار گرفته شده است. بنابراین فرقه‌گرایی هر اثری که تاکنون داشته در آینده نیز در همان اندازه می‌تواند تأثیرگذار باشد و نمی‌تواند به عنوان متغییری جدید نقش کلیدی در تعامل میان دو گفتمان مورد بحث ایفا کند.

سناریوی «خنثی»

اگرچه عدم تأثیرپذیری دو موضوع مورد بحث مقاله بعید به نظر می‌رسد و نمی‌توان این دو پدیده را بر هم بی‌تأثیر دانست اما کم‌تأثیرپذیری از آن می‌تواند به عنوان یکی از سناریوهای پژوهش مورد بحث واقع شود. برای عدم تأثیر و تأثیر دو سویه آینده «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» و «بیداری اسلامی» بر یکدیگر نمی‌توان استدلال قانع‌کننده داشت. به عنوان نمونه‌ای از این استدلال‌ها می‌توان گفت با توجه به تفاوت‌های مذهبی، ممکن است دیدگاه‌هایی مطرح شود که بر اساس آن ماهیت انقلاب اسلامی در ایران و اندیشه سیاسی شیعه و همچنین تفاوت‌های اساسی که اندیشه سیاسی شیعه با تفکر اهل سنت دارد، این دو مقوله تأثیر و تأثری بر یکدیگر نخواهند داشت؛ چراکه نوع حاکمیتی که بر اثر انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی شکل می‌گیرد، با نوع نگرش شیعه به مسئله حکومت تفاوت ماهوی دارد. به منظور تأیید این سخن می‌توان به تحلیل نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب‌های اخیر در جهان عرب اشاره کرد. (هراتی، ۱۳۹۱: ۲۴۹)

به همین دلیل، تحولات اخیر در جهان اسلامی تفاوت‌های ماهوی با انقلاب اسلامی داشته و در نتیجه چندان ارتباطی نیز بر یکدیگر نخواهند داشت. در حقیقت، سناریوی مذکور بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیرپذیری از انقلاب‌های منطقه نخواهد داشت؛ چراکه نه توان ارائه ایدئولوژی جدیدی را دارند و نه قرابتی با ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی دارد و همین رابطه در خصوص آینده تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش بیداری اسلامی نیز قابل بحث است. به این مفهوم که انقلاب اسلامی ایران با توجه به ماهیت شیعی که دارد، تأثیری بر گفتمان جنبش‌های سنی نخواهد داشت و هر یک راه خود را ادامه می‌دهند.

بیان این مطلب که دو گفتمان اسلام‌گرا که هر دو اشتراکاتی دارند، تأثیری بر آینده یکدیگر نداشته باشند، قدری مشکل به نظر می‌رسد. موضع‌گیری‌های غرب در قبال تحولات منطقه و انقلاب اسلامی ایران و تلاش برای کم‌اثر کردن نفوذ ایران در تحولاتی که در منطقه در حال وقوع است، به خوبی نشان می‌دهد

که دو گفتمان مورد بحث، از یکدیگر اثرپذیری دارند و به همین دلیل غرب در تلاش است تا در نوع این تعامل، منافع خود را تأمین کند.

سناریوی «تأثیر مثبت» یا تأثیر تقویت کننده دو سویه

سناریوی دیگر که به عنوان آینده مطلوب تعامل گفتمان انقلاب اسلامی ایران و گفتمان بیداری اسلامی می‌توان ذکر کرد، سناریوی تأثیر مثبت یا تأثیر تقویت کننده است. این سناریو بر این مبنا استوار است که در آینده، هم گفتمان انقلاب اسلامی بر گفتمان بیداری اسلامی تأثیر مثبت خواهد گذاشت و هم تحولات اخیر در منطقه بسترهای لازم به منظور تقویت گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم کرده است. از مهم‌ترین مبانی این سناریو، وجوه اشتراکی است که میان هر دو گفتمان مورد بحث وجود دارد.

در حقیقت، امکان رسیدن به وجوه تشابه میان انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر می‌تواند زمینه‌های باشد که ما را به این موضوع هدایت کند که این تحولات می‌تواند موجبات تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران را در منطقه فراهم آورد. از مهم‌ترین این وجوه تشابه که در مبحث پیشین نیز بدان اشاره شد، می‌توان به اسلام‌خواهی در هر دو موضوع اشاره نمود و وجوه مشترک هر دو را اسلام‌خواهی دانست. از دیگر وجوه تشابه میان انقلاب اسلامی و جنبش‌های اخیر می‌توان به تیپولوژی ساختار سیاسی و تشابه ساختارهای سیاسی (خواجeh سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۰) و همچنین نوع برخورد آمریکا و غرب در قبال انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌هایی اخیر (ر.ک: سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰ - ۹۳) اشاره نمود که تشابه‌های فراوانی در این زمینه قابل درک است.

استکبارستیزی و نفی وابستگی به نظام سلطه از دیگر وجوه مشترک میان گفتمان انقلاب اسلامی و روح حاکم بر جنبش‌های اخیر در خاورمیانه است. در هر دو مورد انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر، روح استکبارستیزی و حرکت به سوی نفی استعمار و استبداد می‌تواند به عنوان وجوه مشترکی باشد که در تقویت گفتمان انقلاب اسلامی نقش مؤثر داشته باشد.

بر اساس برخی دیدگاه‌ها، آنچه در این کشورها رخ می‌دهد، بیداری اسلامی و حرکتی است که بر مبنای اسلام آغاز گردیده و صرف اسلامی بودن آن و سقوط دیکتاتورهای سکولار منطقه و بروز و ظهور مطالبات دینی می‌تواند وجه مشترکی باشد که در رستای منافع هر دو گفتمان است.

در بحث از سناریوی «تأثیر مثبت» می‌توان از فرصت‌هایی که تحولات اخیر در منطقه در اختیار جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد و در پژوهش‌های پیشین نیز به آن اشاره گردیده، استفاده کرد. از مهم‌ترین این موارد می‌توان به کاهش نفوذ آمریکا، انزوای اسرائیل، شباهت‌های انقلاب اسلامی و انقلاب‌های اخیر، سقوط دیکتاتورهای مخالف ایران، اسلامی بودن جنبش‌ها، تقویت گفتمان اسلام‌گرایی، ضعف گفتمان سکولاریسم و تحول در ساختار قدرت و نظم منطقه‌ای اشاره نمود.

۱. پیدایش متحدانی برای ایران و افزایش نفوذ منطقه‌ای

تغییر نظام‌های سیاسی منطقه و فروپاشی حکومت‌های وابسته به آمریکا، وضعیت متفاوتی را برای جمهوری اسلامی ایران پدید خواهد آورد تا بتواند از طریق پیدا کردن هم‌پیمانان منطقه‌ای که پیش از این شدیدترین مواضع را علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده‌اند، نفوذ منطقه‌ای ایران را گسترش دهد. هرچند که ممکن است از نظر مذهبی گرایش‌های متفاوتی در این کشورها نسبت به ایران وجود داشته باشد اما آنچه مهم است اینکه شعارهای عدالت‌خواهانه و استکبارستیزانه‌ای که در «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» وجود دارد، بستر مناسبی برای هم‌گرایی میان ایران و کشورهای مذکور ایجاد می‌کند.

در حقیقت، آرمان‌هایی که جنبش‌های اخیر دنبال می‌کند، مشابه آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در انقلاب ۱۳۵۷ است که در اثر انقلاب‌های مردمی، دولت‌های جدیدی در منطقه شکل خواهد گرفت. باین‌حال، نباید بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه را به معنای رسیدن به حکومت اسلامی بدانیم. شاید بتوان گفت که ایران نیازی ندارد حکومت‌هایی دقیقاً مشابه نظام جمهوری اسلامی در منطقه به وجود آید، بلکه نیاز دارد تا در فرصت به دست آمده، برخی مشکلات قدیمی خود با بعضی کشورهای عربی را حل کرده و متحدانی برای خودش در منطقه داشته باشد. (قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۱: ۸۲)

حداقل انتظاری که از تحولات اخیر انتظار می‌رود این است که نظام پیشین ضد ایرانی در این کشورها فروپاشیده و بسترهای جدیدی برای نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی ایران در این منطقه فراهم گردیده است. بر این اساس، می‌توان گفت که تحولات اخیر در منطقه از جهت پیدا کردن متحدانی در منطقه برای ایران و نفوذ منطقه‌ای این کشور می‌تواند بستر لازم برای اهداف پیش‌برنده گفتمان انقلاب اسلامی را در آینده فراهم آورد. بر این اساس به نظر می‌رسد که آینده تحولات برای گفتمان انقلاب اسلامی ایران مثبت باشد.

۲. تقویت گفتمان اسلامی در مقابل گفتمان سکولار

جنبش‌ها و انقلاب‌های اخیر در جهان اسلام در دولت‌هایی رخ داد که حاکمیتی سکولار داشتند. به نظر می‌رسد که این وضعیت چندان در راستای گسترش سکولاریسم نباشد و به نوعی حرکت در راستای رسیدن به اسلام تحلیل شود. از جمله ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران نیز تقابل با سکولاریسم بود که البته در سه دهه گذشته به همین دلیل فشارهای فراوانی از سوی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای بر ایران وارد شد. در صورتی که تحولات اخیر در منطقه در تقابل با سکولاریسم باشد و بتوان آن را بیداری اسلامی نامید، به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که از این رهگذر، گفتمان انقلاب اسلامی ایران به عنوان گفتمان اسلام‌گرا از این وضعیت سود برده و بسترهای لازم در آینده به منظور رشد «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» فراهم خواهد شد.

آنچه امروز در جهان عرب در حال رخ دادن است را به درستی می‌توان بیداری اسلامی نامید؛ زیرا انگیزه و انگیزه‌ها یا علت فاعلی و غایی تحولات جهان عرب، ماهیت و هویت اسلامی دارد. ملت‌های به پا خاسته

عرب، مبنای نفی و اثبات‌های خود را اسلام قرار داده‌اند. آنان از یک سو آنچه را اسلامی نیست، نفی می‌کنند و از سوی دیگر درصدد اثبات آنچه که بر مبنای هویت اسلامی خود است، می‌باشند. این امر را به خوبی می‌توان در انتخابات مصر و تونس دریافت. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۰)

اغلب کشورهای عربی که در آنها جنبش‌هایی در دوران اخیر رخ داده، دورانی طولانی را از حاکمیت سکولاریسم طی کرده‌اند و حاکمیت ایدئولوژی‌های غربی از ناسیونالیسم گرفته تا کمونیسم، نتوانسته مشکلی از آنان حل کند. بدین ترتیب روی آوردن به اسلام در این کشورها «تقویت گفتمان انقلاب اسلامی» را نیز به همراه خواهد داشت.

۳. سقوط دیکتاتورهای وابسته به غرب و کاهش نفوذ آمریکا

از مهم‌ترین تحولاتی که به صورت مشابه در هر دو جریان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های اخیر روی داد، سقوط دیکتاتورهای وابسته به غرب و کاهش نفوذ آمریکا در منطقه بود. در نتیجه تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از هر دو گونه انقلاب ناکام ماند. (هراتی و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۲) ایالات متحده از سال‌های ۱۸۷۰ بسیاری از شاخص‌های برتری اقتصادی و نظامی را دارا بود. ورود این کشور به جنگ جهانی اول و پیروزی قدرت‌های متفق، اصول چهارده‌گانه ویلسون و شکل‌گیری جامعه ملل، اوضاع را برای اعمال هژمونی آمریکا فراهم آورد، اما اراده ملی برای این نقش وجود نداشت. این کشور در سال ۱۹۴۱ وارد جنگ جهانی دوم شد و پس از جنگ عراق به عنوان قدرت اقتصادی و نظامی هژمون مطرح گردید. با شروع جنگ ویتنام و حتی تا دوره حکومت ریگان، آمریکا به هژمونی غارتگر مبدل شد. منافعی از هماهنگی با منافع متحدانش خارج شد و به بهره‌برداری سوء و استعماری از موقعیت هژمونی‌اش پرداخت و سیاست‌های آمریکا به تدریج از سوی شرکای اقتصادی‌اش مورد اعتراض قرار گرفت. (کریمی، ۱۳۸۵: ۲۲ - ۱۸)

با فروپاشی اتحاد شوروی، موقعیتی برای آمریکا ایجاد شد که در عرصه بین‌المللی دست بالاتر را پیدا کرده و در بحران‌های بین‌المللی مختلفی نظیر عراق، یوگسلاوی، سومالی، هائیتی و افغانستان مداخله کند. اما به نظر می‌رسد تحولات پس از ۱۱ سپتامبر هژمونی آمریکا را با چالش جدی مواجه ساخته و این کشور در حل بسیاری از معادلات و چالش‌های بین‌المللی به تنهایی قادر به اعمال سیاست‌های متناسب و موجه نخواهد بود.

والرشتاین هم در آخرین کتاب خود به نام *افول قدرت آمریکا، آمریکا در جهانی پر آشوب* به سپری شدن دوران صلح آمریکایی اشاره کرده و از اقدامات آن پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به عنوان عاملی برای سقوط یاد می‌کند. او معتقد است که ایالات متحده، طی ده سال آینده با دو احتمال روبه‌رو خواهد شد: پیروی از روش مطلوب نظر «بازها» به همراه پذیرش تبعات منفی این مسیر و یا درک سنگین بودن هزینه‌های این مسیر و گرایش به سمت تجدید نظر در رفتار. اگر آمریکا مجبور به عقب‌نشینی بشود شرایط برای تداوم

هژمونی نسبتاً ضعیف و رو به افول این کشور دشوارتر از قبل خواهد بود. بدون شک هژمونی آمریکا در طول دهه آینده افول بیشتری را تجربه خواهد کرد. (Wallerstein, 2003)

به نظر می‌رسد افول هژمونی ایالات متحده آمریکا و کاهش نقش این کشور در منطقه، از جهاتی برای هر دو گفتمان به عنوان فرصت قابل توجه باشد. در بحث سیاسی و امنیتی، ایالات متحده همواره به عنوان تک قطب به سیاست‌های استیلاجویانه در منطقه خلیج فارس و اطراف مرزهای ایران توجه داشته است. به طور طبیعی کشورهای کوچک و فاقد عمق استراتژیک، امنیت خود را به امنیت قدرت هژمون گره می‌زنند و در این راستا کشورهای منطقه خلیج فارس هر کدام پیمان‌های نظامی و امنیتی متعددی با ایالات متحده داشته و پایگاه‌های نظامی حساسی را در اختیار این کشور قرار داده‌اند.

کشورهای حوزه خلیج فارس با استفاده از این پشتوانه هژمون همواره محدودیت‌های قابل توجهی برای سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند. موضع‌گیری این کشورها در مسئله هسته‌ای و جزایر سه‌گانه از جمله مثال‌های قابل ذکر در این زمینه می‌باشد. با تضعیف هژمونی آمریکا شاهد کم‌رنگ‌تر شدن حضور همه جانبه این کشور در منطقه و تهدید موقعیت ژئوپلیتیک ایران خواهیم بود. از سویی این فرصت برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آید که به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار نقش قابل توجهی در معادلات امنیت منطقه‌ای ایفا کند.

اما آنچه به عنوان تحولات اخیر در منطقه از آن یاد می‌کنیم، بستر افول هژمونی آمریکا را فراهم‌تر کرده و آمریکا در منطقه، هم‌پیمانان مهمی را از دست داده و یا در حال از دست دادن است. تحولات اخیر در منطقه می‌تواند افول هر چه بیشتر این هژمونی را به همراه داشته و از این رهگذر زمینه لازم برای حرکت پیش‌رونده گفتمان انقلاب اسلامی را در آینده فراهم آورد.

۴. انزوای سیاسی اسرائیل و تقویت گفتمان مقاومت

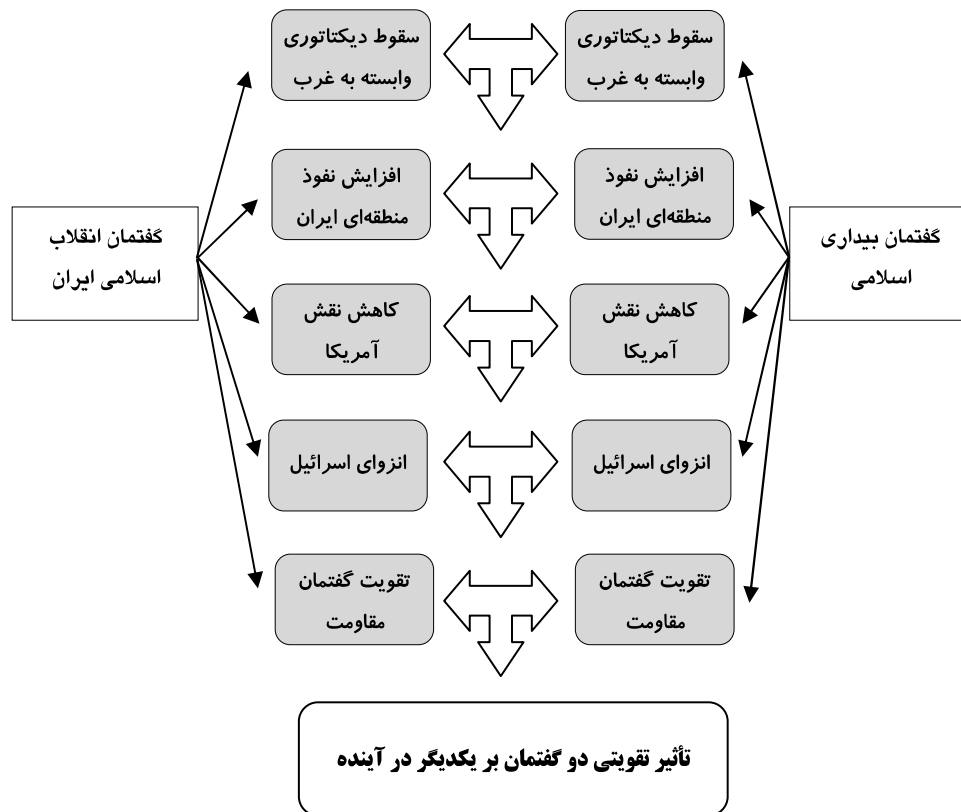
جنبش‌های اخیر در کشورهای عربی و تحولات ناشی از آن بدون شک به نفع اسرائیل نبوده و شاید بتوان گفت که اسرائیل از زمان پیمان کمپ دیوید، هرگز تا این اندازه در فشارهای گوناگون امنیتی و انزوای سیاسی در خاورمیانه قرار نداشته است. تبدیل شدن اسرائیل به بازیگری انفعالی – واکنشی در برابر شرایط منطقه و اعلام تعویق مانور مشترک نظامی اسرائیل با ایالات متحده آمریکا را نیز می‌توان در راستای تلاش اسرائیل برای آرام کردن فضای ملتهب در خاورمیانه برای کاهش برداشت‌های تهدیدآمیز از توان نظامی این رژیم در منطقه ارزیابی کرد.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل هر یک خود را مهم‌ترین رقیب / تهدید همه جانبه در مقابل یکدیگر تعریف می‌کنند، تضعیف هریک می‌تواند فرصت مناسبی برای طرف دیگر باشد. تردیدی نیست که بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، حامل فرصت‌های امنیتی بیشتری برای ایران در مقابله با اسرائیل

است. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۳) بدین ترتیب تحولات ناشی از بیداری اسلامی و سقوط متحدان اسرائیل و روی کار آمدن جناح‌های اسلام‌گرا، بیش از گذشته اسرائیل را در انزوا قرار داده و این امر عاملی پیش برنده برای انقلاب اسلامی ایران خواهد بود.

شکی نیست که نحوه برخورد ملت‌های حاضر در خیزش بیداری اسلامی مانند رویکرد مصر در لغو محدودیت‌ها و تبادلات با نوار غزه، پس از سقوط حسنی مبارک، مؤیدی بر تقویت گفتمان مقاومت و تضعیف گفتمان سازش با اسرائیل است. تعقیب گفتمان مقاومت در کشورهای منطقه، بدون شک هم‌پیمانان منطقه‌ای را برای ایران ایجاد خواهد کرد و بر دامنه نقش آفرینی ایران در تحولات منطقه خواهد افزود. (همان: ۱۷۲) بدین ترتیب با رویداد جنبش‌های بیداری اسلامی، نقش ایران در منطقه پررنگ‌تر گردیده و بدین ترتیب تحولات مذکور بستر مناسبی برای تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران در آینده را فراهم خواهد کرد.

در مجموع، سناریوی تأثیر مثبت در بحث از تعامل آینده گفتمان انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی را می‌توان به صورت نمودار ذیل نمایش داد.



نتیجه

به طور کلی درباره اینکه «گفتمان بیداری اسلامی» و «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» در افق‌های آینده چه تأثیری بر یکدیگر دارند، سناریوهای مختلفی قابل طرح است که در این مقاله سه سناریوی عمده مورد بررسی قرار گرفت و برخی از این سناریوها با دلایلی که مطرح شد، تضعیف گردید تا زمینه برای تأیید سناریوی اصلی فراهم گردد. اولین سناریو در ارتباط با آینده تعامل دو گفتمان، برخورد دو گفتمان با یکدیگر به دلایل بیرونی و درونی و تضعیف یکدیگر بود. بحث محوری سناریوی «تأثیر منفی» بر دو محور منازعات فرقه‌ای و مداخله خارجی استوار بود.

در خصوص سناریوی «خنثی» نیز از منظر تئوریک و مباحث علمی، نمی‌توان آینده تعامل گفتمان انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی را بی‌تأثیر و یا حتی کم‌تأثیر دانست.

سناریوی «تأثیر مثبت» به دلایلی همچون رشد اسلام‌گرایی در منطقه، انزوای اسرائیل، تقویت گفتمان مقاومت، افول هژمونی آمریکا، گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، سقوط دیکتاتورهای وابسته به غرب و دیگر مباحث مطرح شده، احتمال وقوع بیشتری را نسبت به دیگر سناریوها خواهد داشت.

نتیجه آنکه آینده تعامل تأثیر بیداری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران، بر مبنای سناریوی «تأثیر مثبت» احتمال وقوع زیادی داشته و گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر گسترش پدیده بیداری اسلامی در آینده تأثیرگذار خواهد بود و تحولات موسوم به بیداری اسلامی نیز در آینده زمینه تقویت «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» را فراهم خواهد کرد.

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و ایران‌هراسی دولت‌های عربی منطقه»، فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار ۹۱.
۲. اساکول، پی، ۱۳۸۴، روش‌های مطالعات آینده‌پژوهی، ترجمه سعید خزایی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و صنایع دفاعی، معاونت اطلاع‌رسانی و خدمات علمی.
۳. بشیریه، حسین، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نگاه نو.
۴. پایا، علی و حسین راغفر، ۱۳۸۳، «معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و کاربردهای آینده‌اندیشی»، مجموعه مقالات و سخنرانیهای نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، تهران، اردیبهشت.
۵. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۹۱، «ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات» فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۶. خزایی، سعید و پدram عبدالرحیم، ۱۳۸۷، راهنمای گام به گام آینده‌پژوهی راهبردی، تهران، انتشارات مرکز

آینده پژوهی و اطلاع رسانی دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

۷. خواجه سروی، غلامرضا، ۱۳۹۱، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۸. درخشه، جلال، ۱۳۹۱، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلام گرایی در ترکیه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار ۹۱.
۹. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال و مهدی فرازی، ۱۳۹۱، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۱۰. رمضان نرگسی، رضا، ۱۳۶۵، دغدغه‌های «میشل فوکو» درباره «انقلاب اسلامی ایران»، تهران.
۱۱. سلیمانی، رضا، ۱۳۹۱، «رویکرد تئوریک به سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه»، فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار ۹۱.
۱۲. شیروودی، مرتضی، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام»، نشریه رواق اندیشه، ش ۳.
۱۳. عنایت، حمید، ۱۳۷۳، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، تهران، خوارزمی، ج ۳.
۱۴. عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی، ۱۳۹۰، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم، نشر معارف.
۱۵. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۷، ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، قم، نشر معارف.
۱۶. فوکو، میشل، ۱۳۶۸، ایران روح یک جهان بی‌روح، تهران.
۱۷. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و جواد کارآزما، ۱۳۹۱، «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۱۸. کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۵، «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۳، پاییز و زمستان ۸۵.
۱۹. گروه آینده‌اندیش، ۱۳۸۴، روش‌های آینده‌نگاری تکنولوژی، تهران، بنیاد توسعه فردا.
۲۰. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. مرادی، حجت‌الله، «آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها»، فصلنامه سیاست، شماره ۳۶.
۲۲. منوری، مهدی و دیگران، ۱۳۸۳، «اصول، اهداف و کاربردهای آینده‌اندیشی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، تهران.
۲۳. موحدی، رضا، ۱۳۸۵، جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

۲۴. ناظمی، امیر و روح‌الله قدیری، ۱۳۸۴، *آینده‌نگاری از مفهوم تا اجر*، تهران، مرکز صنایع نوین.
۲۵. نجفی، موسی، ۱۳۸۱، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
۲۶. نورانی، امیر، ۱۳۹۱، «مصر، بیداری اسلامی و الگوی ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۲۷. هراتی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۲۸. هراتی، محمدجواد و رضا سلیمانی، ۱۳۹۱، «علل ناکامی آمریکا در جلوگیری از انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، *فصلنامه رهیافت انقلاب*، شماره ۲۱.
29. Bell, Wendell, 2003, *Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for New Era)*, Transaction Publishers: London.
30. Leveret, Hillary Man, 2011, "us politics towards Israel&Iran", available on
31. Makridakis, S. and Wheelwright, S., 1989, *Forecasting Methods For Management*, 5th. Ed, John Wiley, and Sons, Inc.
32. Raceforiran.comarchive/us polices/29651/access 28 Des www.
33. Transformed World
34. Wallerstein, 2003, "The Incredible Shrinking Eagle", *Foreign Policy*, (july- august 2002) and monthly Review, july.
35. www.Cic.nyu.Edu/international security/ docs/ NIC- Final. Pdf. Global Trends2025: A Transformed World.
36. www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_final.pdf, Global Trends 2025: A
37. www.en.wikipedia.org/wiki/Terrorism-Act-2006
38. www.magiran.com/ppdf/nppdf/2829/p0282975150171.pdf
39. www.news.bbc.co.uk/2/hi/uk-news/4689363.stm
40. www.stop-search-tactic.html
41. www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslimsaccept-

